

مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه آیت الله آصفی

محسن قمرزاده

چکیده

مقاله حاضر به دنبال کشف دیدگاه آیت الله آصفی در مرجعیت علمی قرآن است. مرجعیت قرآن از مباحث حایز اهمیت و نوپدید است که با عنایت به ورود نظریه‌های مختلف در عصر حاضر به مباحث دینی و بکارگیری آن‌ها در متن جامعه ضروری است که قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع کشف دین به مثابه تراز و شاقول نقش آفرینی کند؛ لذا لازم است جایگاه مرجعیت قرآن مورد مطالعه جدی قرار گیرد. این مبحث زیر مجموعه و تابع اصل جامعیت قرآن قلمداد می‌گردد. نوشتار حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی با بررسی آثار آیت الله آصفی، به تبیین مرجعیت قرآن در اندیشه ایشان می‌پردازد؛ از این رو پس از ذکر مباحث مقدماتی از قبیل بیان مساله، پیشینه و نیز بیان منظور از مفردات کلیدی در مقاله، مباحثی چون رویکردها در اسلامی‌سازی مفاهیم، مبانی مرجعیت قرآن و مدل بکارگیری آن در اندیشه ایشان آمده است. از مهم‌ترین نتایج مقاله می‌توان به رویکرد اعتدال‌گرا و نیز نگاه برآیندی آیت الله آصفی از هندسه معارف قرآنی و میزان قرار دادن این نگاه در رد و اثبات نظریه‌ها اشاره کرد. به نظر می‌رسد خاستگاه نظریه ایشان، اندیشه استادشان شهید صدر در تفسیر موضوعی است.

کلید واژگان: قرآن، علم، مرجعیت علمی، نگاه برآیندی، آیت الله آصفی، شهید صدر.

بیان مسئله و ضرورت

قرآن به عنوان کتابی انسان‌ساز و هدایتگر و سراسر حق، مهم‌ترین منبع فهم میان مسلمانان به شمار می‌آید. به دلیل جاودانگی و جامعیت، پاسخگویی کامل قرآن به نیازهای بشر در جهت هدایت و بندگی امری به جا قلمداد می‌شود. با توجه به این پیش‌زمینه فکری، تبیین جایگاه مرجعیت علمی قرآن که از مباحث بسیار مهم، نوپدید و مورد توجه دانشمندان و روشنفکران عصر حاضر است، ضروری به شمار می‌رود.

دانش بشری در عصر حاضر شتابان در حال پیشروی است و نظریه‌های جدید در تمام علوم و دانش‌ها وافر و نو به نو شده است. از جلوه‌های حیات قرآن، نقش‌آفرینی آن در میزان قرار گرفتن برای نظریه‌پردازی‌های نوپدید است. مدل‌های پیشنهادی مختلفی برای مرجعیت قرآن وجود دارد که برخی در حال رشد و تکامل و گروهی در حال آزمون و خطاست؛ مانند نظریه تفسیر موضوعی تنزیلی، که هدف آن استخراج دیدگاه قرآن متکی به ترتیب نزول سوره‌ها و مطالعه سیروار آن است (ر.ک: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)؛ مبانی، اصول، قواعد و فواید)، و یا نظریه داده بنیاد (به طور کلی رهیافتی برای بررسی نظام‌مند داده‌های کیفی، با هدف تولید نظریه است) که هدف آن استخراج اطلاعات قرآن است. برای استفاده از این نظریه به تعیین موضوع، واژه‌شناسی و استفاده از روش‌های دستیابی نیاز است. همچنین نحوه بهره‌گیری از مراحل مختلف روش داده بنیاد نیز، بایستی مدنظر قرار گیرد. (ر.ک: فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیست و یکم - شماره ۴) البته پیاده نمودن این نظریه درباره قرآن، به سبب نقصان آن نیاز به بازبینی و تکامل جدی دارد؛ زیرا نمی‌توان با گزینش چند آیه، دیدگاه قرآن را به دست آورد. شاید به دلیل آن که خاستگاه نظریه داده بنیاد مطالعات تجربی است که با نمونه‌گیری می‌تواند نتیجه کلی استنتاج نماید؛ ولی در قرآن چنین نیست.

در زمینه مرجعیت علمی بحث‌های نظری متعددی را می‌توان مطرح نمود. آیت‌الله آصفی در شمار دانشمندانی است که به این موضوع پرداخته است. مهم‌ترین اساتید آیت‌الله آصفی عبارتند از «محمد رضا مظفر»، «امام خمینی»، «سید عبدالله شیرازی»، «سید محسن حکیم» و «خوئی». «علامه طباطبایی» نیز از بزرگان بود که آیت‌الله آصفی از محضر او بهره برد. آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌الله) ایشان را فقیهی نواندیش و متکلمی ماهر و نویسنده‌ای پر کار و اثرگذار می‌دانند. (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۲۹۹۱۱>)

از نظر آیت‌الله سبحانی نیز ایشان در قلمرو فقه و فقاہت بالاخص مسائل مربوط به حکومت اسلامی توانسته است طرح‌های خوبی را ارائه کند. (<http://qom.iqna.ir/fa/news/۱۴۷۵۳۷۰/>)

نوشتار حاضر به دنبال بررسی بحث جامعیت علمی قرآن در اندیشه آیت‌الله آصفی مبتنی بر آثار وی می‌باشد. اگر جایگاه مرجعیت علمی قرآن به خوبی روشن شود، مشکلات بسیاری از علوم جدید که به صورت وارداتی به مجامع علمی داخل شده، حل می‌شود. همچنین گسست بین قرآن و علوم انسانی و نیاز به بازسازی و تحول در علوم انسانی، از موارد دیگری است که ضرورت این بحث را روشن می‌سازد.

پیشینه

مرجعیت قرآن موضوعی نوپدید است، از این رو منابع قابل توجهی در این زمینه وجود ندارد. ریشه مرجعیت قرآن به خود قرآن باز می‌گردد، برخی آیات مستقیماً به مرجعیت علمی قرآن اشاره دارند^۱ و برخی آیات ناظر به رسالت جهانی قرآن هستند.^۲ برخی از آیات نیز هادی بودن قرآن را در تمام ابعاد زندگی انسان بیان کرده‌اند.^۳ همچنین در این رابطه در کلام اهل بیت (علیهم السلام) نیز روایاتی وجود دارد، که آیت الله آصفی به برخی از آنها^۴ اشاره نموده است. (ر.ک: فی رحاب القرآن؛ ج ۱۳؛ ص ۲۹۱)

در کلام مفسران نیز مثلاً ذیل بحث جامعیت و تبیان بودن قرآن برای همه چیز، به این بحث به صورت غیرمستقیم اشاره شده است. برای نمونه می‌توان به سید قطب اشاره نمود که در تفسیر «فی ظلال» به موضوع جامعیت قرآن اهتمام ورزیده است. همچنین از لابه‌لای مطالب مختلف در تألیفات علامه طباطبایی، چنین تلقی می‌گردد که در برخی از حوزه‌ها، ایشان به مرجعیت علمی قرآن اعتقاد داشته‌اند؛ اگرچه نگارنده مبحثی که به مرجعیت قرآن در ابعاد مختلف تصریح داشته باشد، یافت ننموده است.

علی‌رغم اینکه مرجعیت علمی قرآن موضوعی نوپدید است؛ لکن ذیل بحث جامعیت قرآن کتاب‌هایی نوشته شده است، مانند کتاب «جامعیت و کمال دین» تألیف علی ربانی گلپایگانی و کتاب «جامعیت قرآن» نوشته سید محمدعلی ایازی و همچنین کتاب «قرآن‌شناسی» اثر آیت الله مصباح یزدی. با توجه به این که مرجعیت علمی، زیر شاخه بحث جامعیت قرآن محسوب می‌شود، این کتاب‌ها نقش عام و بالادستی نسبت به مقوله مرجعیت علمی می‌یابند.

در خصوص بحث مرجعیت علمی قرآن، مقالاتی به نگارش درآمده‌اند «مرجعیت علمی قرآن در حوزه علوم انسانی»، اثر عبدالرئوف عالمی، «رابطه مرجعیت علمی قرآن با جهانی، جاودانگی و جامعیت قرآن» نوشته محمد حسن طوسی و عبدالرئوف عالمی، «نقد و بررسی نظریه برتری علوم بشری بر قرآن»، نوشته حسین علوی مهر. یکی از مهم‌ترین مقالات اثر حجه‌الاسلام رضایی اصفهانی است که با عنوان «مرجعیت علمی قرآن» این بحث را مطرح نموده‌اند.

اما درباره آثار آیت الله آصفی نوشته‌ای در این موضوع وجود ندارد؛ البته مقاله‌ای به نام «منهج موضوعی استنتاج» توسط حجه‌الاسلام یوسفی مقدم و «روش شناسی تفسیری آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی» توسط

۱. (۸۹/نحل): و نزلنا علیک الكتاب تبیانا لكل شیء.

۲. (۱/فرقان): و لیکون للعالمین نذیرا.

۳. (۱۸۵/بقره): هدی للناس.

۴. ر.ک: التوحید (للسدوق)؛ ص ۹۰، و الوافی؛ ج ۱؛ ص ۳۶۶، و عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۱؛ ص ۱۲۳.

سید رضا مودب و علی خوشنویس در زمینه مدل تفسیر آیت الله آصفی نوشته شده است که در موضوعی مختصر با موضوع مقاله همپوشانی دارد.

آیت الله آصفی از منظر آثار

از آیت الله آصفی حدود ۲۰۰ اثر در زمینه فقه، کلام، تفسیر، حکومت اسلامی، اقتصاد اسلامی، تاریخ اسلامی، به یادگار مانده است. ۱۵ سال تدریس فلسفه در دو دانشکده نجف و بغداد و توجه هم‌زمان ایشان به علوم قدیم و جدید نشان می‌دهد که ایشان به وضعیت دنیای روز بی‌توجه نبود. و در بیشتر نوشته‌های او وضعیت فکری دنیای معاصر دیده می‌شود. شاید به آن دلیل که در زمان ایشان کتاب‌های مارکس، انگلس، لنین، استالین، مائو و دیگر متفکران مارکسیسم-لنینیسم در سطح وسیعی منتشر می‌شد. بنابراین نیاز آن دوران معرفی اسلام برای نسل جوانی بود که در عراق مورد تهاجم فکری و فرهنگی اندیشه‌های مارکسیستی بودند. هرچند بیشتر آثار ایشان به زبان عربی است برخی از آن‌ها به زبان‌های مختلف ترجمه گردیده است.

آثار علمی آیت الله آصفی خود را در چند محور نشان می‌دهد: این آثار در سه موضوع قرآن، معارف عمومی، و فقه است. ایشان اندیشه‌های تفسیری خود را در کتاب ارزشمند «فی رحاب القرآن» ارائه نموده است. ویژگی این اثر التزام او به سنت‌های تفسیری و تقید به درج روایات تفسیری در ابتدا و انتهای مباحث است. «در آینه وحی» (ترجمه کتاب فی رحاب القرآن در چهارده جلد)؛ در موضوعات فقهی: «ملکیه الارض فی الاسلام»؛ و «الاجتهاد و التقليد و سلطات الفقیه و صلاحیات»؛ در موضوعات اجتماعی: «الامه الواحده و الموقف من الفتنة الطائفیه؛ الانتظار الموجه»؛ در موضوعات فرهنگی: «التحديات المعاصرة و مشروع المواجهه الاسلامیه»؛ «الجسور الثلاثه»، و «فی رحاب عاشوراء». در موضوعات سیاسی اجتماعی: «مشروع الوحده الاسلامیه ثقافیا و سیاسیا»؛ جایگاه زمان و مکان در اجتهاد در اندیشه امام خمینی (نظریه الامام الخمينی فی دور الزمان و المكان فی الاجتهاد) همچنین اندیشه‌های سیاسی ایشان در کتاب‌هایی مانند «ولایه الامر» و «کتاب جهاد در قرآن» منعکس شده است و در آن‌ها نوآوری‌هایی به چشم می‌خورد.

شناخت مفردات

مرجعیت:

مرجعیت (authority) مصدر جعلی به معنای مورد رجوع و بازگشتن می‌باشد. (ر.ک: لسان العرب؛ ج ۸؛ ص ۱۱۴).

علم:

منظور از علم در این نوشتار علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، حقوق، مدیریت و سایر علوم بشری است که قابلیت انطباق با قرآن را داشته باشند. یعنی بعضی علوم به نظر نمی‌آید که قابلیت انطباق با قرآن را داشته باشند، بر خلاف بسیاری از علوم که این قابلیت را دارند.

مرجعیت علمی قرآن کریم

به نظر می‌رسد بهترین تعریف مرجعیت علمی قرآن عبارت باشد از رجوع علوم مختلف به آن به هدف اثر بخشی، با تأکید بر اینکه قرآن بالاترین و مهم‌ترین مرجع علمی موجود برای علوم است که قابلیت انطباق با قرآن را دارند. جامعیت قرآن و وابستگی و نیاز علوم مختلف به قرآن از عناصر و مبانی زیرساخت این تعریف هستند. مراد از رجوع همان میزان بودن قرآن است، که آیت‌الله آصفی به آن تأکید دارد. از نظر ایشان قرآن مقیاس حق و باطل و میزان در همه امور است، آنچه که قرآن صحیح می‌داند، صحیح و آنچه که صحیح نمی‌داند اشتباه و خطاست. (ر.ک: فی رحاب القرآن؛ ج ۱۲؛ ص ۱۶۹)

بنابراین سایر تعریف‌هایی که درباره مرجعیت علمی قرآن ارائه شده، نیاز به تبیین و یا تصحیح دارند. تقریرهای مختلفی از مفهوم مرجعیت علمی قرآن ارائه شده است؛ مانند شاخص بودن برای تأیید آموزه‌های یک دانش، که از آن به مرجع امضایی تعبیر می‌شود، پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای هر عصر، تأثیرگذاری و جهت‌دهی قرآن بر مبانی و مبادی علوم، منبع بودن قرآن برای معرفت بشری که از آن به مرجع معرفتی تعبیر می‌شود، مرجعیت الگویی و مرجعیت علمی که به معنای سیطره و حاکمیت تعالیم قرآن است، مرجعیت به عنوان ابتدائیت، مرجعیت مضمونی، مرجعیت پارادایمی، و مرجعیت فرا پارادایمی؛ لکن برگشت بعضی از تعاریف یاد شده به یکدیگر نشانگر عدم تبیین صحیح این موضوع است. ضمن اینکه بعضی بحث اعجاز قرآن را با بحث مرجعیت علمی خلط کرده‌اند. (ر.ک: مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی، ص ۳)

برخی بر این باورند که باید از اینکه قرآن جایگزین منابع معرفتی رایج در علوم شود، پرهیز نمود. (mehrnews.com/news/4536862) مرجعیت علمی قرآن به معنای تأثیرگذاری قرآن بر علوم است، تأثیرگذاری «استنادی» و مستند به قرآن که قابل پیگیری و قابل ثبت باشد. دامنه مرجعیت علمی قرآن در دانش‌هایی که قرآن را یکی از ارکان معرفتی خودشان می‌دانند، مثل فقه و دانش‌های دیگر بسیار متفاوت است؛ اما به این معنا نیست که سایر علوم، چون جزو علوم اسلامی نیستند مانند علوم تجربی و علوم ریاضی، از این مرجعیت بی‌بهره باشند. (همان)

در نقد این تعریف باید گفت تأثیرگذاری متفرع بر رجوع و میزان قرار دادن قرآن است و ثمره آن به شمار می‌آید، نه اینکه خود مرجعیت لحاظ گردد. همچنین اگر گفته شود که مراد از مرجعیت علمی قرآن این است که: «قرآن دارای بالاترین شایستگی‌های علمی در رفع نیازها و انتظارات علمی به نسبت سایر منابع علمی است»، باز هم به میزان و معیار بودن قرآن اشاره نشده است، حال آنکه این یک امر کلیدی در تعریف مرجعیت قرآن است.

رویکردها در اسلامی سازی نظریه‌ها

مراد از اسلامی سازی نظریه‌ها، داخل کردن نظریه های نو و مطرح در عصر حاضر به اسلام است به گونه ای که رنگ و لعاب دینی به خود بگیرند. (ر.ک. «فلسفه علم، برای تبیین علوم انسانی اسلامی و ارتقاء نظام معرفتی حوزه») دو نوع رویکرد اعتدال گرا و افراط گرا در رابطه با اسلامی سازی نظریه‌ها وجود دارد. آیت‌الله آصفی در نقد رویکرد افراط گرا چنین می گوید:

«ما مسلمانان بعد از مدتی رکود و عدم فعالیت، در گرفتن مفاهیم و افکار از جاهلیت غرب و شرق سرعت گرفتیم و سعی کردیم که در اسلام برای آن ادله و شواهدی پیدا کنیم. بعضی از این مفاهیم عبارتند از حریت و آزادی، دموکراسی، و سوسیالیسم یا عقیده اشتراکی (هدف از عقیده اشتراکی تغییر جامعه به گونه شرکت دادن همه مردم در امور کار و دارائی در کشور است).» (فی رحاب القرآن، ج ۲، ص ۱۰۵)

آیت‌الله آصفی پس از تبیین نمونه‌هایی از اخذ مفاهیم غربی، به این نکته بسیار مهم اشاره می‌کند که عده‌ای از نویسندگان اسلامی اصرار دارند که در منابع اسلامی نصوصی که با این مفاهیم سازگارند، پیدا کنند؛ حال آنکه در حقیقت اسلام با این مفاهیم اختلاف جوهری دارد.

ایشان تصریح می‌کند که بعضی از مفاهیمی که مسلمانان از بیگانگان اخذ گرفته‌اند، هیچ گونه سازگاری با اسلام ندارد؛ اما بعضی سعی دارند از هر مسیر ممکن، این مفاهیم را داخل اسلام کنند. این افراد در مصادر اسلامی به جستجو می‌پردازند تا بتوانند در آن‌ها چیزی پیدا نموده و مدعای خویش را ثابت نمایند و در این راه به کوچک‌ترین مناسبتی با این مفاهیم، تمسک می‌کنند و آن را به اسلام نسبت می‌دهند؛ حال آنکه بین آن مفاهیم و اسلام اختلاف اساسی وجود دارد. (همان)

بنابراین می‌توان دیدگاه آیت‌الله آصفی را در زمره دیدگاه اعتدال‌گرا دانست؛ دیدگاهی که سعی ندارد به هر قیمتی، مفاهیم غرب و شرق را اسلامی سازی نماید. برای نمونه ایشان آیاتی را که می‌توان از آن‌ها مخالفت با دموکراسی را استشمام نمود، یاد می‌کند. آیت‌الله آصفی بدون توجه به جوسازی که در تایید دموکراسی برپاشده، دموکراسی را روی دیگر دیکتاتوری میدانند. (همان)

مبانی

مراد از مبانی، پیش فرض‌های مفسر و باورهای اساسی وی، پیش از پرداختن به تفسیر و یا استنباط از قرآن است. (قواعد تفسیری، ص ۱۷) در این بخش تلاش شده مطالبی که به طور مستقیم به مبانی مرجعیت علمی قرآن اشاره دارد، ذکر شود. کشف پیش فرض‌های آیت‌الله آصفی در پرداختن به مرجعیت علمی قرآن مبتنی بر آثار ایشان است.

آیت‌الله آصفی در کتاب فی رحاب القرآن بحثی با عنوان «قرآن الکتاب الناطق» دارد که می‌توان آن را مبحثی بسترساز در مرجعیت علمی قرآن تلقی نمود؛ زیرا درخواست دیدگاه قرآن با ناطقیت آن رخ می‌دهد، به عبارت دیگر با توجه به اینکه قرآن امکان پاسخگویی به مسائل انسان‌ها را دارد، این سوال ایجاد می‌شود که نسبت میان ناطقیت و مرجعیت قرآن چه خواهد بود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین ابزار مرجعیت قرآن همان ناطقیت قرآن است. از این رو مشاهده می‌شود که در آثار آیت‌الله آصفی بارها بر مرجعیت قرآن تاکید شده است. از لابه لای سطور آثار آیت‌الله آصفی، مبانی ایشان قابل کشف است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. امکان سخن گفتن قرآن

آیت‌الله آصفی درباره چگونگی نطق قرآن می‌گوید باید در اختصاص این خطابات قرآنی به مومنین تأمل شود؛ قرآن خطابات خاص به مومنین و خطابات عامی برای همه دارد. از امیرمومنان علی (ع) نقل شده که در این زمینه می‌فرماید: «قرآن امر کننده، نهی کننده، و صامت ناطق است» (نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ ص ۲۶۵) طبق دیدگاه آیت‌الله آصفی، قرآن کلامی تفسیرپذیر است و فهم آن به تفسیر نیاز دارد. استشهاد ایشان به روایتی است که در آن امام علیه السلام می‌فرماید:

كِتَابُ اللَّهِ يُبْصَرُونَ بِهِ وَتَنْطِقُونَ بِهِ وَتَسْمَعُونَ بِهِ وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بَبَعْضٍ وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ؛ کتاب خداست که به آن می‌بینید و به آن می‌گویید و به آن می‌شنوید، بعضی از آیات تفسیر بعض دیگر و برخی گواه برخی دیگر است. (نهج البلاغه، ص ۱۵۴ و بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۲)

طبق این روایت قرآن ذاتا ناطق است. از نظر آیت‌الله آصفی نه تنها قرآن ساکت نیست؛ بلکه امکان کشف دیدگاه‌های آن هم از نطقش وجود دارد.

قرآن بر عکس تصور مردم که فکر می‌کنند، کتابی صامت است که امکان تاویل و توجیه طبق خواسته آنان دارد، و نمی‌تواند از خودش در برابر تاویل گران دفاع کند، کتاب ناطقی است که بعضی آن به وسیله بعض دیگر مطلب را به روشنی بیان می‌کند؛ لذا امام می‌گوید قرآن کتاب ناطقی است که صامت نیست.

«علی عکس تصور الناس عن القرآن انه الكتاب الصامت، الذی یمكن تأویله وتوجیبه بالطریقه التي تمليها أهواء الناس، ولا یفصح هو عن نفسه، لیسد الطريق علی تأویل المتأولین، وتفسیر المنحرفین، فإن الامام علیه السلام یقول: ان القرآن کتاب ناطق، ولیس بالصامت، كما یقول الناس.» (فی رحاب القرآن، ج ۱، ص ۱۶)

اما قرآن چگونه سخن می‌گوید؟ ما نمی‌دانیم که قرآن چگونه صحبت می‌کند و نمی‌دانیم چگونه با او صحبت کنیم. و اگر ما با قرآن صحبت می‌کردیم، دیگر بین ما و معانی قرآن حجابی باقی نمی‌ماند. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: آن قرآن است، پس از او طلب صحبت و فهم کنید. (نهج البلاغه، ص ۱۸۲؛ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص ۶۱؛ الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۱، ص ۱۵۵) از قرآن طلب دیدگاه کنید یعنی مثلا از قرآن پرسیده شود دیدگاهش درباره اشتغال زن در جامعه چیست؟ یا نظر قرآن درباره دموکراسی چیست؟ بنابراین امام علیه السلام

کلید این مطلب را به ما می‌دهد، حال اگر ما از این کلید استفاده نمائیم قرآن با ما صحبت می‌کند، و چیزی از مفاهیم عالی و مرجع آن بر ما مشتبه نمی‌شود. پس یکی از مبانی مرجعیت علمی قرآن از نظر آیت‌الله آصفی ذاتی بودن نطق قرآن است.

این یک مبنا اصلی در بحث مرجعیت قرآن است که خود متضمن چند مبنا دیگر است. یکی از آن مبانی این است که قرآن معیار و میزان تعیین صحیح و غلط، درباره امور عالم است.

میتوان معیار بودن قرآن را در تحت عنوان ناطقیت قرآن آورد. قرآن مقیاس و معیار است در همه امور. بنابراین قرآن میزان است، آنچه که قرآن صحیح می‌داند، صحیح است و آنچه که صحیح نمی‌داند، اشتباه و خطاست. بنابراین قرآن مقیاس حق و باطل است.

«هؤلاء يحكمهم القرآن، ويكون مقياساً ومعياراً لهم في كل شيء، فيقيمون ويزنون الموازين بالقرآن فما صح منه فهو الصحيح، وما لم يصح منه فهو الخطأ» «إنا أنزلنا إليك الكتاب بالحق لتحكم بين الناس بما أراك الله» (نساء: ۱۰۵) فهو مقیاس للحکم والحق (فی رحاب القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۹)

۲. حجیت ظواهر

یکی از مبانی مرجعیت قرآن حجیت ظواهر آن است. بدون حجت بودن ظواهر قرآن مرجعیت و میزان بودن قرآن معنا نخواهد داشت. آیت‌الله آصفی در این باره چنین می‌گوید: قرآن به زبان عربی مبین نازل شده تا مردم آن را بفهمند و به آن عمل کنند. خود قرآن به صراحت این حقیقت را بیان می‌کند: «وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعرا: ۱۹۲-۱۹۵) ایشان ادامه می‌دهند که قرآن نور و برهان و موعظه از جانب خداست، چگونه می‌شود که قرآن بدون اینکه مردم بتوانند با تأمل و تدبر، آن را بفهمند و تلقی کنند، نور و برهان باشد، چطور ممکن است قرآن برهان و نور باشد، بدون اینکه ظواهر آن بر مردم حجت باشد. (فی رحاب القرآن، ج ۱۳، ص ۲۵۱)

سپس آیت‌الله آصفی آیاتی را که دال بر حجیت ظواهر قرآن است، بیان می‌کند:

يقول الله تعالى «قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (يونس: ۵۷) «يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء: ۱۷۴) «هذا بَلاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنذَرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَ لِيَذْكُرُوا لِلآلِبَابِ» (ابراهيم: ۵۲) «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (إسراء: ۹)

۳. نگاه مجموعی به قرآن (دوری از بخشی نگری)

۵. كيف يكون القرآن نوراً وبرهاناً دون أن يتلقى الناس ظواهر القرآن بالتأمل والتدبر والفهم، ودون أن تكون ظواهره حجة على الناس!؟

دوری از بخشی‌نگری به قرآن یعنی باید مجموع قرآن را به صورت یک مجموعه واحد دید همانگونه که شهید صدر چنین دید گاهی را در نظریه‌گیری از قرآن مطرح می‌کند. مطلق و مقید، عام و خاص، و ناسخ و منسوخ آن باید دیده شود. نمی‌توان قرآن را بخشی‌نگری نمود و بعد به صورت کلی‌نگری نتیجه گرفت. همان طور که نمی‌توان بعض احکام قرآن را اخذ نمود و بعض دیگر را رها نمود؛ چرا که چنین شخصی در مسیر صحیح نخواهد بود، و نمی‌تواند از ثمرات قرآن بهره‌مند شود، همچنین است کسی که یک جزء از کتاب خدا را از سایر قسمت‌های آن به قصد عمل فقط به همان بخش جدا نماید. چنین شخصی نمی‌تواند انتظار رسیدن به مقصود و مطلوب را داشته باشد؛ اما کسی که با بعض قرآن بعض دیگر آن را بفهمد، قرآن سینه خود را برای او باز می‌کند و گنج‌های خود را برای او آشکار می‌کند. بنابراین امام علیه‌السلام می‌فرماید: «ینطق بعضه ببعض... ولا یختلف فی الله» (نهج البلاغه، ص ۱۵۴) اگر مردم در قرآن اختلافی می‌بینند، علتش این است که بعض قرآن را در نظر گرفته‌اند و هر جزء از قرآن را از جزء دیگر جدا به حساب می‌آورند. این اشتباه سبب می‌شود که گمان کنند در قرآن اختلاف وجود دارد. اگر آن‌ها کل قرآن را به مثابه امر واحدی محسوب می‌کردند و از بخشی‌نگری دوری می‌کردند دچار چنین اشتباهی نمی‌شدند.^۶ (فی رحاب القرآن، ج ۱، ص ۱۷)

۴. ظرفیت سازی روحی

یکی از مبانی فهم قرآن در اندیشه آیت‌الله آصفی این است که قرآن مانند علم فیزیک و شیمی نیست با خواندن صرف فهمیده شود؛ بلکه باید برای فهمش ظرفیت‌سازی نمود؛ یعنی ابتدا آمادگی روحی داشت. پس خود شخص باید ابتدا ظرفیتی را در خود ایجاد کند تا خداوند قفل قلب او را باز کند، در غیر این صورت مفسر در حجاب باقی می‌ماند، حتی اگر شخص ساعت‌ها در روز با قرآن ممارست داشته باشد، و صبح و شب با قرآن مانوس باشد. تا زمانی که شخص نفس خود را به قرآن نسپارد، از درک معارف آن، عاجز خواهد بود.^۷ (فی رحاب القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۹)

۵. منابع تفسیر

یکی دیگر از مبانی مرجعیت علمی قرآن، بحث از منابع تفسیر است. با بررسی آثار آیت‌الله آصفی، می‌توان به این نتیجه رسید که منابع کشف در بحث مرجعیت علمی قرآن، سه منبع قرآن، روایات، و عقل است.

^۶. و القرآن فی دلالتہ کما فی احکامہ کل لا یتجزأ، فمن اراد ان یاخذ ببعض احکامہ، و یترک بعضاً، فانه لا یتستطیع ان یتتیم علی الصراط، وان یحصد ثمرات القرآن، کذلک القرآن فی دلالاتہ.

^۷. إن هذا الكتاب یختلف عن سائر الكتب وسائر العلوم، فیما کان الإنسان أن یفهم الفیزیا والمیکانیک والهندسة المعماریة، إذا قرأها ووعاها وحضرها عند علمائها، تفاعل معها أم لم یتفاعل، أعطاها نفسه ام لم یعطها.. أما القرآن فلا یکاد یفقه الإنسان بصائرہ، ویتلقى معارفه وبیناته، إلا إذا أعطاه نفسه، ومکنه منها، وفتح علیه مغالیک قلبه، وفی غیر هذه الحالة سوف یتقی خلف الحجاب.

– تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به قرآن از منابع مهم کشف مرجعیت علمی قرآن به شمار می آید. مراد از تفسیر قرآن به قرآن این است که بعض قرآن بعض دیگر را شرح می دهد. آیت الله آصفی به این کلام امام علی علیه السلام استشهاد می کند: «ینطق بعضه ببعض» (نهج البلاغه، ص ۱۵۴) یعنی بعضی از آیات بعض دیگر را تفسیر و روشن می کنند. (فی رحاب القرآن، ج ۱، ص ۱۶)

آیت الله آصفی می گوید یکی از نمونه های منطق قرآن، تفسیر قرآن به قرآن است. بنابراین بحث استنطاق قرآن، شقوق مختلفی دارد که یکی از آنها قرآن به قرآن است؛ یعنی یکی از شرائط کشف منهج قرآن، تفسیر قرآن به قرآن است؛ اما آن را منحصر در این راه نمی داند. (فی رحاب القرآن، ج ۱۲، ص ۱۵۵)

از نظر آیت الله آصفی این سبک تفسیری بر سایر مناهج تفسیری تقدم دارد. ایشان می گوید: کسی که طریق اهل بیت را تتبع می نماید، می بیند که اهل بیت تفسیر جدید و نویی را از تفسیر قرآن به قرآن ارائه می نمایند. این برترین مسیر فهم قرآن است؛ چون قرآن بهترین دلیل بر خود قرآن است. علامه طباطبائی با استفاده از این منهج، تفسیر گراسنگ المیزان را به رشته تحریر در آورده است.^۸ (فی رحاب القرآن، ج ۱۳، ص ۲۹۱)

آیت الله آصفی نمونه هایی از روایاتی که از ائمه علیهم السلام درباره تفسیر قرآن به قرآن وارد شده را ذکر می کنند. در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُؤَلَدْ» تفسیر «الصمد» است.^۹ (التوحيد للصدوق، ص ۹۰؛ الوافی، ج ۱، ص ۳۶۶)

در نمونه دیگر امام رضا علیه السلام «ختم» را در «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (بقره: ۷) با آیه دیگری تفسیر می کنند: وعن الإمام الرضا عليه السلام في قوله تعالى خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ قَالَ الختم هو الطبع على قلوب الكفار عقوبة على كفرهم، كما قال الله تعالى بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء: ۱۵۵) (عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۲۳؛ تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۹۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، مقدمه ج ۱، ص ۳۲)

– تفسیر قرآن به روایات

آیت الله آصفی یکی از مناهج تفسیری را تفسیر مأثور می داند که در مقابل تفسیر به رأی قرار دارد. یکی از اقسام تفسیر مأثور، تفسیر به سنت است. آیت الله آصفی برخلاف این که این که تفسیر رایج را تفسیر به رأی می داند، حدیث را بعد از قرآن، مصدر اول در تفسیر قرار داده اند. از نظر ایشان مفسر در تفسیر از حدیث بی نیاز نیست؛ بلکه تفسیر به رأی (ممدوح نه مذموم) تا زمانی که حدیثی موجود است، جایی نخواهد داشت، تفسیر به رأی

^۸ من يتتبع طريقة أهل البيت عليهم السلام في تفسير القرآن يلمس عندهم طريقة متميزة ومبتكرة في تفسير القرآن بالقرآن، وهذه الطريقة من أفضل الطرق لفهم القرآن، فإن القرآن خير دليل على القرآن، وقد جرى على هذه الطريقة في عصرنا الفقيه العلامة الطباطبائي رحمه الله.
^۹ قَالَ وَهَبُ بْنُ وَهَبٍ الْقُرَشِيُّ وَ حَدَّثَنِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ ع... إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُؤَلَدْ. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ...

جایی کارایی دارد که حدیثی با آن معارضه نکند. بنابراین مفسر قبل از اینکه به دنبال نظر و اجتهاد در تفسیر آیه باشد، باید در ابتدا عزمش بر روایاتی باشد که در ارتباط با تفسیر آیه وارد شده است. وی می‌گوید:

«ولکن یبقی «الحديث» هو المصدر الأول - بعد القرآن - فی تفسیر القرآن و لا یستغنی المفسر عن «الحديث» فی تفسیر القرآن، فلا رأى فی مقابل «الحديث»» (کیف نقراً القرآن، ص ۳۱۴)

آیت‌الله آصفی یادآور می‌شود که با توجه به اهمیت موضوع، علمای تفسیر اهتمام ویژه‌ای به آن ورزیدند و به جمع‌آوری روایات تفسیری پرداخته‌اند. مهم‌ترین کتب تفسیری روایی در میان اهل سنت عبارتند از: الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ جلال‌الدین السیوطی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر البغوی. و مهم‌ترین کتب تفسیری روایی در شیعه عبارت است از: تفسیر العیاشی، تفسیر نورالثقلین و تفسیر البرهان. (کیف نقراً القرآن، ص ۳۱۴)

– تفسیر قرآن به عقل

با بررسی گفتار آیت‌الله آصفی در آثار متعدد ایشان می‌توان به این نتیجه دست یافت که عقل نیز یکی از منابع استنباط در مقوله مرجعیت علمی قرآن است.

از دیدگاه ایشان، عقل در فقه امامی از مصادر تشریح است؛ البته تشریح فقط توسط کتاب و سنت صورت می‌گیرد و اجماع و عقل، تنها کاشف از تشریحی هستند که از کتاب و سنت به دست ما نرسیده است. آیت‌الله آصفی می‌گوید:

«العقل فی الفقه الامامی من مصادر التشريع الاربعه، وليس معنى ذلك ان العقل يشرع كالكتاب والسنة» (دور الزمان و المكان فی الاجتهاد، ص ۴۰)

از نظر ایشان جایگاه عقل در ارتباط با حکم شرعی جایگاهی بزرگ است.^{۱۰} (همان)

آیت‌الله آصفی در جای دیگری می‌گوید: بدون شک نص مصدر اساسی برای اجتهاد است و در این جهت فرقی نیست در اینکه نص از قرآن باشد یا از سنت الا اینکه نصوص سنت باید از جهت سندی مورد بررسی دقیق قرار بگیرند، تا سنت صحیح از غیر صحیح جدا شود. و برای فقیه جایز نیست در مقابل نص از خود رأیی داشته باشد؛ بنابراین اجتهاد در مقابل نص باطل خواهد بود.^{۱۱} (أضواء علی الحوزات العلمیة الإمامیة الشیعیه، ص ۱۵)

از دیدگاه آیت‌الله آصفی، نص بُعد اول و اساسی برای اجتهاد و پس از آن بُعد عقلی در اجتهاد است.^{۱۲} (همان، ص ۱۶)

^{۱۰} (وموضع العقل، هذا، یکسب الحكم الشرعی قابلیة کبیره علی المرئیه فی وعاء الزمان والمكان)

^{۱۱} «النص» هو المصدر الأساسی للاجتهاد بلا شک، سواءً کان النص من الكتاب، أم من السنة. غیر أن نصوص السنة لابد أن تناقش من حیث السند بصورة دقیقة، لتمييز الصحيح منها عن غیر الصحيح.»

^{۱۲} «وعليه فان النص هو المصدر الأساس للفقیه فی فهم الحكم الشرعی ... وهذا هو الجانب النقلی من الاجتهاد، وهو البعد الأول والأهم فی الاجتهاد، وإلى جانب هذا البعد البعد العقلی فی الاجتهاد.»

از نظر آیت الله آصفی یکی از مناهج مهم تفسیری، تفسیر به رأی است؛ البته مراد از تفسیر به رأی تفسیر به رأی مذموم نیست؛ بلکه منظور تفسیری است که مستند به دلیل و برهان باشد. این منهج تفسیری از زمان صحابه تا به امروز ادامه داشته و تقریباً همه علمای مسلمین آن را پذیرفته‌اند. در رأس مذاهب اسلامی در این زمینه امامیه، اشاعره و معتزله هستند. در شیعه شیخ طوسی «تبیان»، در اشاعره فخر رازی «التفسیر الکبیر» و در معتزله زمخشری «تفسیر کشاف» را با طبق این منهج نوشته است. (فی رحاب القرآن، ج ۱۳، ص ۳۱۳)

مشخص است که در منهج تفسیر به رأی، که همان تفسیر اجتهادی محسوب می‌شود، نقش عقل اساسی و بی‌بدیل است.

از نظر آیت‌الله آصفی، عقل در فرآیند استنباط سه مرحله دارد:

مرحله اول؛ حکم عقل به حسن و قبح که همان حکم عقل عملی است، چون به یک موضوع عملی تعلق گرفته است. سپس این حکم عقلی ضمیمه می‌شود به حکم عقل نظری به تلازم بین حکم عقل و حکم شرع، از ضمیمه شدن این دو حکم عقلی و شرعی، حکم سومی نتیجه می‌شود. فقها به این نوع از برهان عقلی، مستقلات عقلیه می‌گویند.

مرحله دوم؛ استخدام عقل است در احکام شرعیه بعد ضمیمه شدن حکم شرع به حکم عقلی، که به آن احکام عقلیه غیر مستقله می‌گویند. این نوع از قواعد عقلیه دارای تطبیقات وسیعی در فقه و اصول است مانند مقدمه واجب، بحث اجزاء و مباحث اجتماع امر و نهی و غیر ذلک.

مرحله سوم، استخدام اصول عقلیه مانند براءت و اشتغال عقلی است. این بحث‌ها در علم اصول فقه به صورت دقیق و متقن مورد کنکاش وسیع علمی قرار گرفته است. (أضواء علی الحوزات العلمیه الإمامیه الشیعیه، ص ۱۷)

به این ترتیب واضح گردید که از دید آیت‌الله آصفی، عقل نیز می‌تواند یکی از منابع کشف در مقوله مرجعیت علمی قرآن باشد.

رویکرد برآیندی

در بحث مرجعیت علمی قرآن می‌توان ادعا نمود که رویکرد و مدل فنی آیت‌الله آصفی، رویکرد برآیندی به آیات است. به نظر می‌رسد خاستگاه این نظریه، رویکرد شهید سید محمد باقر صدر در تفسیر موضوعی باشد. توضیح این رویکرد در سه بخش عرضه می‌گردد. در بخش اول به تبیین این رویکرد پرداخته می‌شود. در بخش دوم خاستگاه رویکرد برآیندی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش سوم چند نمونه از این رویکرد ذکر می‌گردد:

۱. تبیین

با توجه به مطالبی که در مبانی بیان شد، می‌توان تصویری فنی از مدل مرجعیت علمی قرآن از نظر آیت الله آصفی بیان نمود. ایشان با میزان دانستن قرآن، آن را مقیاسی برای صحیح و غلط دانستن درباره همه امور می‌داند. رویکرد آیت الله آصفی چنین است که سعی میکند در ابتدا نظریه را از آیات قرآن بفهمد، و پس از اینکه یک فهم کلی از آیات پیدا نمود، برآیند آن را به عنوان یک قاعده و اصل بیان می‌نماید. این نوع از مرجعیت که به نحو قواعد و اصول است در کلام ایشان به صراحت بیان شده است. این فهم برآیندی که از نگاه مجموعی به آیات قرآن حاصل گشته، همان طور که در بخش مبانی به آن اشاره شد، میزان و معیاری برای حق و باطل قرار می‌گیرد. آیت‌الله آصفی درباره کشف اصول و قوانین عمومی از قرآن چنین می‌گوید:

قرآن کتاب فلسفه نیست؛ بلکه کتاب دعوت و هدایت و تشریح است، لکن می‌توان در اثنای آیات کتاب خدا، اصول و قوانین فراگیری را برای اندیشیدن از آن آیات استخراج نمود.^{۱۳} (المذهب التاريخي في القرآن؛ ص ۲۴)

۲. خاستگاه:

به نظر می‌رسد خاستگاه این رویکرد، اندیشه شهید سید محمد باقر صدر در تفسیر موضوعی باشد. شهید صدر یک فقیه، اندیشمند، مجتهد، فیلسوف و یک مرجع تقلید مبتکر و نظریه پرداز بود که در زمینه تفسیر موضوعی نظریات بدیعی را ارائه نموده است. (<http://iqna.ir/fa/news/۳۷۷۷۹۴/>)

آیت الله آصفی در مصاحبه‌ای از اثر پذیری خود از آثار شهید صدر می‌گوید. ایشان در جواب این سوال که «چه درس‌هایی را از محضر شهید صدر آموختید، می‌گوید: بیشتر از کتابها و سخنرانی‌های ایشان استفاده می‌کردم و به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های ایشان هستم و در شیوه‌های تبلیغاتی خود از افکار ایشان بهره‌ها برده‌ام، اما به شکل رسمی کمتر توفیق حضور در درس ایشان را پیدا کردم. (<http://www.sedayeshia.com/fa/conversation/۱۹۰۴۸/>)

بعضی از این نظریات شهید صدر در این زمینه عبارت‌اند از:

- ۱: تفسیر موضوعی، مکملی برای تفسیر ترتیبی است. (المدرسه القرآنية، ص ۱۸)
- ۲: تفسیر ترتیبی دارای خلاءهایی است که جز با تفسیر موضوعی برطرف نخواهد شد. (همان، ص ۳۳)
- ۳: شیوه تفسیر موضوعی از دید شهید صدر تنها راهی است که ما را قادر می‌سازد تا در برابر موضوعات مختلف زندگی، به نظریه‌های اساسی قرآن دست یابیم. (همان، ص ۲۰)
- ۴: تفسیر موضوعی شامل تمام موضوعاتی است که در قلمرو دین و در حیطه زندگی انسانی در خصوص آن‌ها سوالات و مشکلات مطرح است. (همان، ص ۱۷)

^{۱۳} (ليس القرآن الكريم كتاباً في الفلسفة يعني بدراسة المسائل الفلسفية والتاريخية بصورة مشروحة ... وإنما هو كتاب دعوة وهداية وتشریح ... ولكننا نستطيع أن نستخرج من ثنايا آيات كتاب الله الأصول العامة للتفكير بشكل دقيق).

۵: گردآوری آیات بر محور موضوع خاص، تفسیر موضوعی نیست. تفسیر موضوعی به یکی از مسائل زندگی یا اعتقادی و اجتماعی می‌پردازد. اینکه مباحث علوم قرآنی را به هدف کشف موضع قرآن، مورد بررسی قرار گیرند، تفسیر موضوعی نیست؛ بلکه این خلط بین علوم قرآنی و تفسیر موضوعی است. (همان، ص ۱۷)

شهید صدر بین دو روش تفسیری تجزیه‌ای و توحیدی یا موضوعی تفکیک قائل می‌شود (صدر، ۱۴۱۰، المدرسه القرآنیه، در المجموعه الکامله لمولفات السید محمدباقر الصدر، ج ۱۳، صص ۲۸-۴۱) منظور از روش تجزیه‌ای، این است که مفسر به تفسیر تک تک آیات به همین ترتیب موجود می‌پردازد، در این روش مفسر به دنبال معنای آیه است نه معنای موضوعی مورد بحث آیه؛ اما در روش توحیدی یا موضوعی، مفسر یک موضوع را از واقعیت‌های زندگی می‌گیرد و آن را بر قرآن عرضه می‌نماید، و نظر قرآن را درباره همان موضوع را به دست می‌آورد. شهید صدر در این نوع تفسیر به استنطاق قرآن تأکید می‌ورزد و به کلام امام علی علیه السلام استشهاد می‌کند:

ذَلِكَ الْقُرْآنَ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ أَحْبَرُكُمْ عَنْهُ؛ آن قرآن است آن را به زبان آورید، آن هرگز به سخن نمی‌آید، من آن را به شما خبر می‌دهم. (الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص ۶۱) همانطور که در بخش مبانی گذشت، آیت‌الله آصفی نیز به همین روایت استشهاد می‌کند که به نظر می‌رسد آن را از شهید صدر اخذ نموده است.

مراد از استنطاق این است که سوال بر قرآن عرضه شود، و با قرآن در رابطه با آن مسئله گفتگو صورت پذیرد. از نظر شهید صدر نظریات دینی به صورت منظم تدوین نشده‌اند و این کار نظریه پردازان اسلامی است که آن‌ها را استنباط کنند. روش خاصی که ایشان آن را ابداع نموده‌اند دارای پنج مرحله است:

۱- تعیین مسئله: بدون داشتن سوال، جستجو در منابع بی‌فایده است؛ پس پیش از هر کاری باید سوال اصلی و سوال‌های فرعی را مشخص نمود. ۲- نظریه شناسی: نظریه پرداز در این مرحله باید از نظریات مختلفی که درباره مسئله مورد تحقیق وجود دارد، اطلاعات کافی در اختیار داشته باشد. ۳- فرضیه پردازی: در این مرحله نظریه پرداز یک پاسخ ابتدائی به مسئله ارائه می‌دهد. این جواب با مطالعات مستمر و استفاده از نظریات موجود صورت می‌گیرد. ۴- جمع آوری نظریات همسو: از نظر شهید صدر باید همه نصوص گردآوری شده دینی باشند؛ چون از نصوص غیردینی نمی‌توان نظریه دینی به دست آورد. جمع آوری نظریات فقیهان دیگر حتی در صورتی که مورد قبول خود نظریه پرداز نیز نباشد، اشکالی ایجاد نمی‌کند. دلیل این امر عدم وجود صورت کامل از دین است. شهید صدر می‌گوید: این بین مسلمین مورد اتفاق است که احکام قلیلی از شریعت اسلام به وضوح و ضرورت و به نحو قطعی حفظ شده است، شاید فقط پنج درصد از احکام موجود به صورت قطعی الهی هستند. (اقتصادنا، صص ۳۹۳-۳۹۵) ۵- نگاه مجموعی به نصوص گردآوری شده: آخرین مرحله، ترکیب احکام و استنباط و استخراج نظریه از میان آن‌هاست. در این مرحله نگاه جزئی به یک نگاه سیستمی و کلی تبدیل می‌شود.

به نظر می‌رسد آیت الله آصفی پس از تاثیر گرفتن از شهید صدر، یک گام به جلو نهاده است. ایشان می‌گویند: با وجود قرآن دیگر نیازی به سفره و مائده دیگر نیست. پس اگر کسی به قرآن متمسک شود قرآن او را از هر چیزی بی‌نیاز می‌کند. و هر شخصی از قرآن عدول کند، هیچ چیز نمی‌تواند او را بی‌نیاز کند. خداوند متعال در کتابش هر چیزی را که انسان در حرکت به سوی او نیاز دارد، در کتابش بیان کرده است و آن همان نور و هدایت و بصیرت است. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) «هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين» (آل عمران: ۱۳۸) از نظر آیت الله آصفی تبیان بودن قرآن از شاخصه‌های بارز آن است. برای هر چیزی انسان به خدا نیاز دارد، و بعد از قرآن نیازی در زندگی انسان باقی نمی‌ماند. چنان‌که برای انسان بی‌نیازی از قرآن به غیر آن وجود ندارد. (وعی القرآن، ص ۲۱) ایشان به این کلام امیر مومنان علی علیه السلام استشهد می‌کند: «اعلموا انه ليس على أحد بعد القرآن من فاقه، ولا لاحد قبل القرآن من غنى» (أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۱۰۵) بدانید که هیچ شخصی پس از داشتن قرآن فقر (معنوی) ندارد، و برای هیچ کس پیش از آن، غنا و توانگری (معنوی) نیست. (الحياة، ج ۲، ص ۱۵۰؛ فی رحاب القرآن، ج ۱، ص ۲۵)

به این ترتیب روشن می‌شود که آیت الله آصفی با میزان و معیار قرار دادن قرآن، به اثبات و انکار نظریه می‌پردازد.

۳. نمونه‌ها

نمونه اول: اصول قواعد تاریخی در قرآن

آیت الله آصفی درباره مرجعیت قرآن در اصول تاریخی چنین می‌گوید:

«وقتی آیات قرآن را می‌بینیم خطوط واضحی را می‌یابیم، که می‌تواند در ترسیم راه و روش قرآن در تاریخ به ما کمک کند. راه و روش اسلامی در تفسیر تاریخ اینگونه است که بنای تاریخ را بر سه پایه و اساس می‌داند؛ یعنی ممکن نیست حرکت تاریخ را فقط بر اساس قانون علت و اراده انسان تفسیر کنیم، بدون اینکه مشیت الهی را به عنوان یک عامل اساسی در نظر بگیریم. این سه اساس عبارتند از قانون علیت، آزادی اراده انسان، و هدایتگری الهی.^{۱۴} (المذهب التاريخي في القرآن الكريم) (مختارات)، ص ۲۸)

قرآن افق فکری جدیدی را پیش روی این علم گذاشته است، این نوع فهم درباره مجتمع بشری، تفکر جدیدی در تاریخ انسانی محسوب می‌شود.

در تاریخ فکر انسانی برای اولین مرتبه، اینگونه فهم علمی از مجتمع و شهرنشینی در قرآن آمده است، و اجتماع بشری تابع مجموعه علت‌ها و قوانین است که قرآن آن را سنن الهی می‌نامد. این علت‌ها و قوانین ثابت هستند و

^{۱۴} و عندما نستعرض آيات القرآن نجد خطوطاً واضحةً يمكننا من رسم مجمل المذهب القرآني في حركة التاريخ. إن المذهب الإسلامي في تفسير التاريخ يقيم التاريخ على ثلاثة أسس ... وهذه الأسس هي: ۱- قانون العلية. ۲- حرية إرادة الإنسان. ۳- الرعاية الإلهية.

در زندگانی انسان تغییر نمی کنند: «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب: ۶۲). در نهج البلاغه مثال های زیادی در تطبیق این قاعده وجود دارد؛ مانند خطبه قاصعه. (المذهب التاريخی فی القرآن الکریم (مختارات)، ص: ۲۸)^{۱۵} ایشان می گوید: «این علم در رهبری انسان یک علم جدید به شمار می آید؛ اما ما می یابیم که قرآن افکار و آراء مشخصی در این باره - یعنی راه روش تاریخی - دارد، و تجمیع همه این افکار و تصورات و قوانین و استخراج راه و روش تاریخی قرآن کریم از آن قوانین ممکن است»^{۱۶} (المذهب التاريخی فی القرآن، ص ۱۱) در تفسیر و فهم تاریخ سه موضع پیش روی ما وجود دارد؛ مسیر اول این است که امکان تفسیر تاریخ بر اساس قانون علیت را نفی کنیم. مسیر دوم این است که تاریخ را بر اساس قانون علیت تفسیر کنیم. مسیر سوم این است که تاریخ را هم بر اساس حضور و حاکمیت اراده انسان در تاریخ تفسیر نماییم و هم بر اساس حاکمیت قانون علیت در تاریخ. (همان).

نمونه دوم: مرجعیت قرآن در رابطه با دموکراسی

یک نمونه دیگر از مرجعیت قرآن در کلام آیت الله آصفی بحث دموکراسی است. او چنین می گوید: در حقیقت دموکراسی جدید چون ورود انسان را در حاکمیت و سلطنت خداوند جایز می داند، به استکبار روی آورد. استکبار در قرآن استعلا بر امر خدای تعالی است، و عدم خضوع در برابر حکم خدا و امر و نهی او، و ترک سلطنت خدا و حاکم کردن هوا و هوس و شهوات است. خداوند متعال می فرماید: «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ» (بقره: ۸۷) و این همان استکبار و استعلاء بر امر خدای تعالی و نهی او و حکم او و سلطنت او و تسلیم و اطاعت برای هوای نفس. (فی رحاب القرآن، ج ۲، ص ۱۰۵)

تأمل در این آیه سوره آل عمران به وضوح حقیقت جاهلیت را برای ما روشن می کند. «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نَّعَاسًا يُغْشَىٰ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَئِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران: ۱۵۴) پس از آن غم و اندیشه، خداوند شما را ایمنی بخشید که خواب آسایش گروهی از شما را فرا گرفت و گروهی که وعده نصرت خدا را از روی جهل و نادانی راست نمی پنداشتند هنوز در غم جان خود بودند و از روی انکار می گفتند آیا ممکن است ما را قدرت و فرمانی بدست آید؟ بگو ای پیغمبر تنها خدا است که بر عالم هستی فرمانروا است (منافقان سست ایمان که از ترس مؤمنان) خیالات باطل خود را با تو اظهار نمی دارند، با خود می گویند اگر کار ما به وحی خدا و آئین حق بود شکست

^{۱۵} القرآن یفتح أفقاً فکریاً جدیداً أمام العلم: وهذا الفهم للمجتمع وللحضارة شیء جدید فی تاریخ الفکر الإنسانی ... والقرآن الکریم كما سوف نری أول کتاب یفتح هذا الأفق الفکری جدیداً أمام العلماء.

^{۱۶} (فإننا نجد أن القرآن الکریم یطرح أفكاراً، وآراء، وقوانین محدّدة، فی هذا المجال، ومن الممكن تجمیع هذه الأفكار، والتصورات، والقوانین وتنظیمها واستخراج المذهب القرآنی فی التاريخ منها

نمی‌خوردیم و گروهی در این جا کشته نمی‌شدیم، بگو ای پیغمبر اگر در خانه‌های خود هم بودید باز آن که سرنوشت آنها در قضای الهی کشته شدن است از خانه به قتلگاه به پای خود البته بیرون می‌آمدند تا خدا آنچه در سینه پنهان دارند بیازماید و هر چه در دل دارند پاک و خالص گرداند و خدا از راز درونها آگاه است.» (آل عمران: ۱۵۴)

آیت الله آصفی می‌گوید: تأمل در این آیه سبب کشف حقیقت جاهلیت می‌شود. معنای آیه این است که شهوات و هواهای نفسانی، از آنها همه اهتمامشان را گرفته است. آنها غالباً وجود خدا را نفی نمی‌کنند و لکن ایمان دارند به اینکه خداوند متعال مزاحمتی در شئون زندگانی آنها ندارد و متصدی شئون و اعمال و کارهای شان نیست و آنها را در زندگی و تبعیت از شهوات آزاد گذاشته است. (فی رحاب القرآن، ج ۲، ص ۱۰۵)

که در آیه کریمه «هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ» (آل عمران: ۱۵۴) چنین آمده که این گروه از خداوند متعال در حکم نمودن و سلطنت و آنچه که مربوط به امر خدا در امور زندگی است، سهم خود را طلب می‌نمایند، و بعید می‌دانند در امر الوهیت و حکم و سلطنت هیچ سهمی نداشته باشند، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سهم خود را طلب می‌نمایند. (فی رحاب القرآن، ج ۲، ص ۱۰۷)

این گروه ایمان به خدا دارند، اما خدا را اساس دریافت‌های خودشان می‌شناسند و با او با همان شناخت معامله می‌کنند؛ پس به صراحت از خدا می‌خواهند در امور آنها دخالت نکنند و مزاحم شهوات و هواهای نفسانی و لذاتشان نشود و آنها را در دنیا با لذات و شهوات تنها بگذارد، و سهم دین در امور زندگی آنها در حد یک مراسم تشریفاتی باشد، و آنها را محدود نماید. این همان دموکراسی روشن و واضح است، که به وضوح به خداوند متعال شرک است. (همان.)

انقلاب فرانسه یک بت را ساقط کرد و به جای آن یک بت جدید را جایگزین نمود. خاندان پادشاهی بوربون که حاکمانی مستبد بودند را ساقط نمودند و به جای آن یک بت جدید به نام ملت را آوردند. سلاطین را به زمین زدند؛ اما نه برای اینکه سلطنت را به مالک حقیقی آن که خداست برگردانند، بلکه آن را زمین زدند تا آن را به غاصب جدید هبه کنند و آن ملت و مردم هستند تا در زندگی مردم به حق خدا استبداد بورزند. این همان نمایشگاه جاهلیت در امور کلیدی است. خداوند می‌گوید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (مؤمنون: ۲۳)، «وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ» (مائدة: ۷۲)، «وَأِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (اعراف: ۶۵)، «وَأِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (اعراف: ۷۳)، «وَأِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (اعراف: ۸۵)، «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ» (نحل: ۳۶)، «وَأِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (عنكبوت: ۱۶) إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲)

بنابراین اسلام در همه مراحل بر اساس عبودیت برای خداوند، و التزام و تسلیم مطلق به امر خدا قائم است. (همان)

فی رحاب القرآن، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۰۹)

جمع بندی و نتیجه گیری

با عنایت به مطالب پیش گفته نتایج ذیل حاصل می گردد:

- آیت الله آصفی عالمی با تفکر، جامع الاطراف و متأثر از اساتید بارز خود به ویژه شهید صدر است.
- بهترین تعریف مرجعیت علمی قرآن عبارت است از رجوع علوم مختلف به قرآن به هدف اثر بخشی، با تاکید بر اینکه قرآن بالاترین و مهم ترین مرجع علمی موجود برای علوم است که قابلیت انطباق با قرآن را دارند. جامعیت قرآن و وابستگی و نیاز علوم مختلف به قرآن از عناصر و مبانی زیرساخت این تعریف هستند. مراد از رجوع، میزان بودن قرآن است، که آیت الله آصفی به آن تأکید دارد. سایر تعریف هایی که درباره مرجعیت علمی قرآن ارائه شده، نیاز به تبیین و یا تصحیح دارد.
- از نظر آیت الله آصفی قرآن مقیاس حق و باطل است. قرآن معیار و مقیاس و میزان در همه امور است، آنچه که قرآن صحیح می داند، صحیح و آنچه که قرآن صحیح نمی داند، اشتباه و خطاست.
- دو نوع رویکرد اعتدال گرا و افراط گرا درباره اسلامی سازی آموزه ها وجود دارد. در رویکرد افراط گرا بعضی از آموزه هایی که اخذ می شوند، هیچ گونه سازگاری با اسلام ندارند؛ اما بعضی سعی دارند این موارد را از هر راهی اسلامی بنمایانند. این افراد در مصادر اسلامی به جستجو می پردازند تا بتوانند در آنها چیزی پیدا نموده و مدعای خویش را ثابت نمایند. حال آنکه بین آن مفاهیم و اسلام اختلاف اساسی وجود دارد. از این رو می توان دیدگاه آیت الله آصفی را در زمره دیدگاه اعتدال گرا دانست؛ دیدگاهی که سعی ندارد به هر قیمتی مفاهیم غرب و شرق را اسلامی سازی نمایند.
- با دقت در آثار آیت الله آصفی مبانی مرجعیت قرآن در اندیشه ایشان روشن می شود که شامل موارد ذیل است: امکان نطق قرآن، حجیت ظواهر قرآن، ضرورت نگاه مجموعی و برآیندی به قرآن، لزوم آمادگی روحی شخصی که قرآن را مرجع قرار داده و منابع تفسیر.
- در بحث مرجعیت علمی قرآن می توان ادعا نمود که رویکرد آیت الله آصفی نگاه برآیندی به آیات است. به نظر می رسد خاستگاه این نظریه، رویکرد شهید سید محمد باقر صدر در تفسیر موضوعی باشد. آیت الله آصفی با میزان دانستن قرآن، آن را مقیاسی برای صحیح و غلط دانستن درباره همه امور می داند. رویکرد ایشان چنین است که سعی می کند در ابتدا نظریه را از آیات قرآن بفهمد، و پس از فهم کلی از آیات، برآیند آن را به عنوان یک قاعده و اصل بیان می نماید. این نوع از مرجعیت که به نحو قواعد و اصول است در کلام آیت الله آصفی به صراحت بیان شده است. این فهم برآیندی که از نگاه مجموعی به آیات قرآن حاصل گشته، همان طور که در بخش مبانی به آن اشاره شد، میزان و معیاری برای حق و باطل قرار می گیرد.

۱. قرآن کریم.
۲. آصفی، محمد مهدی، المذهب التاريخی فی القرآن، ۱ جلد، المشرق للثقافة و النشر - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۴، ۱۴۳۰ ه.ق.
۳. آصفی، محمد مهدی، أضواء على الحوزات العلمية الإمامية الشيعية، ۱ جلد، مجمع جهانی اهل بیت (ع) - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۱، ۱۴۳۱ ه.ق.
۴. آصفی، محمد مهدی، دور الزمان و المكان فی الاجتهاد، ۱ جلد، مجمع جهانی اهل بیت (ع) - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۱، ۱۴۳۲ ه.ق.
۵. آصفی، محمد مهدی، وعی القرآن، ۱ جلد، المشرق للثقافة و النشر - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۴، ۱۴۲۸ ه.ق.
۶. آصفی، محمد مهدی، كيف نقرأ القرآن، ۱ جلد، المشرق للثقافة و النشر - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۱، ۱۴۲۹ ه.ق.
۷. آصفی، محمد مهدی، الحتميتان، ۱ جلد، مجمع جهانی اهل بیت (ع) - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۱، ۱۴۳۳ ه.ق.
۸. آصفی، محمد مهدی، المذهب التاريخی فی القرآن الکریم (مختارات)، ۱ جلد، مجمع جهانی اهل بیت (ع) - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۲، ۱۴۳۲ ه.ق.
۹. آصفی، محمد مهدی، فی رحاب القرآن، ۱۴ جلد، المشرق للثقافة و النشر - نجف اشرف - عراق، چاپ: ۱، ۱۴۲۸ ه.ق.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب - بيروت، چاپ: سوم.
۱۱. ابن بابويه، محمد بن علی، التوحيد (للصدوق)، ۱ جلد، جامعه مدرسین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ ق.
۱۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲۶ جلد، کتابخانه امام أمير المؤمنين علی علیه السلام - اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. ابن بابويه، محمد بن علی، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ۲ جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۵ جلد، مکتبه الصدر - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. گردآورنده فرمایشات امام، امیر المؤمنین، علیه السلام: سید رضی، محمد، نهج البلاغه، در یک جلد، مؤسسه نهج البلاغه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۷. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ۳۳ جلد، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هـ ق
۱۸. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحدیث)، ۱۵ جلد، دار الحدیث للطباعة و النشر، قم - ایران، اول، ۱۴۲۹ هـ ق
۱۹. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق
۲۰. عیوضی، محمدرحیم، آسیب شناسی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۱. کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی (۱۳۹۶: قم)، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ۱ جلد، جامعه المصطفی العالمیة - قم - ایران، چاپ: ۱
۲۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ جلد، مؤسسه بعثه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ شمسی
۲۳. اندیشه ماندگار: مجموعه مقالات درباره اندیشه و آثار علامه محمد مهدی آصفی، جمعی از محققین، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۳ چاپ: اول
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ۱۰ جلد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی - آرام، احمد، الحیاء / ترجمه احمد آرام، ۶ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی « زمستان ۱۳۹۶، سال بیست و یکم -
۲۹. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ۱ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. عبدالکریم بهجت پور، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)؛ مبانی، اصول، قواعد و فواید، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲
۳۱. رجایی، حمید «فلسفه علم، برای تبیین علوم انسانی اسلامی و ارتقاء نظام معرفتی حوزه» قم: انتشارات مهر ماندگار (۱۳۹۷)

۳۲. صدر، محمد باقر، المدرسة القرآنية، دار التعارف للمطبوعات، بيروت - لبنان
۳۳. صدر، شهید، سید محمد باقر، اقتصادنا، در یک جلد، دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان، قم - ایران، اول، ۱۴۱۷ هـ ق
۳۴. علی ربانی گلپایگانی، جامعیت و کمال دین، کانون اندیشه جوان وابسته به موسسه کانون اندیشه جوان تهران، ۱۳۸۸
۳۵. ایازی، محمدعلی، جامعیت قرآن، کتاب مبین رشت، ۱۳۷۸
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، رجبی، محمود، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم - ایران ۱۳۸۵ ش، چاپ ۲
۳۷. <http://www.sedayeshia.com/fa/conversation/۱۹۰۴۸/>
۳۸. <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۲۹۹۱۱/>
۳۹. <http://qom.iqna.ir/fa/news/۱۴۷۵۳۷۰/>
۴۰. <http://mehrnews.com/news/۴۵۳۶۸۶۲/>
۴۱. <http://iqna.ir/fa/news/۳۷۷۷۷۹۴/>
۴۲. <http://iqna.ir/fa/news/۳۳۱۰۹۷۰/>